



Research Paper

The Ideal Language of Traditionalist Women in the Novels *My Share* and *A Lonely Girl*: A Critical Discourse Analysis

Fatemeh Karimi

Ph.D. student in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Corresponding Author). (karimimarjan4@gmail.com)

Ghahreman Shiri

Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (ghahreman.shiri@gmail.com)



10.22034/lda.2026.145508.1127

Received:

November, 22, 2025

Accepted:

March, 06, 2026

Available

online:

March, 06, 2026

Keywords:

critical discourse analysis, Fairclough, linguistics, traditionalist women, feminine language, patriarchal discourse.

Abstract

This study aims to identify the discursive mechanisms through which the feminine ideals of “traditionalist women” are represented in two novels—*My Share* by Parinoush Saniee and *A Lonely Girl* by Edna O’Brien—drawing on Fairclough’s critical discourse analysis. Using a descriptive–analytical method, and given the volume of data within the novels, the authors focus on the key discourses that form the core of the narratives and examine decisive sentences. Concentrating on the linguistic dimension of discourse, the study analyzes three layers—lexical, grammatical, and textual structures—at the level of description, and shows how feminine language, while reflecting domination and repression, recovers lexical, relational, expressive, and metaphorical values in both texts. Represented sampling indicates that in both works the ideal language of female characters seeks to articulate civic needs such as education, love, and independence as personal ideals, set against patriarchal, religious, and traditional discourses. Comparison shows that in *My Share* domination is mainly reproduced through Iranian family structures and religious culture, whereas in *A Lonely Girl* constraints are imposed chiefly by the Church and Ireland’s religious system. The findings reveal that women’s language in these texts, though caught within dominant discourses, opens a space for individuality and agency through aspirations, metaphors, and even direct critique. Thus, Kathleen angers her father and the priest with blunt criticism, while Masoumeh strives toward her ideals through prayer and metaphorical language.



مقاله پژوهشی

زبان آرمانی زنان سنت‌گرا در دو رمان سهم من و یک دختر تنها: تحلیل گفتمان انتقادی فاطمه کریمی (نویسنده مسؤول)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا،

همدان، ایران. (karimimarjan4@gmail.com)

قهرمان شیر

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

(ghahreman.shiri@gmail.com)



10.22034/lda.2026.145508.1127

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی سازوکارهای گفتمانی به بازنمایی آرمان‌های زنانۀ «زنان سنت‌گرا» در دو رمان سهم من اثر پرینوش صنیعی و یک دختر تنها اثر ادنا اوبراین بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته است. در این پژوهش که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است، نگارندگان با توجه به حجم داده‌ها در بستر رمان، تمرکز اصلی را روی گفتمان‌های کلیدی که به عنوان هسته اصلی روایات شناخته می‌شوند، قرار داده و جملات تعیین‌کننده را بررسی و تحلیل کرده‌اند. بنابراین، مطالعه حاضر با تمرکز بر بخش زبانی گفتمان، به تحلیل سه لایه واژگانی، دستوری و ساخت‌های متنی در «سطح توصیف» پرداخته و نشان داده است که زبان زنانه، چگونه به بازشناسی ارزش‌های واژگانی، رابطه‌ای، بیانی و استعاری در هر دو متن، ضمن بازتاب سلطه و سرکوب، می‌پردازد. بدین ترتیب در نمونه‌گیری‌های جدولی به این نتیجه دست یافتیم که در دو اثر، زبان آرمانی شخصیت‌های زن به دنبال بیان نیازهای مدنی خود مانند تحصیل، عشق و استقلال در مقام آرمان فردی است که در تقابل با گفتمان‌های مردسالار، مذهب و سنت قرار می‌گیرد. مقایسه دو رمان نشان می‌دهد که در سهم من، سلطه بیشتر در قالب ساختارهای خانوادگی و فرهنگ مذهبی ایران بازتولید می‌شود، همچنان‌که در یک دختر تنها نیز محدودیت‌ها عمدتاً از سوی کلیسا و نظام مذهبی ایرلند اعمال می‌گردد. یافته‌ها آشکار می‌سازد که زبان زنان در این متون، اگرچه در چارچوب گفتمان‌های مسلط گرفتار است، اما از طریق آرزوها، استعاره‌ها و حتی انتقادات مستقیم، فضایی برای بازنمایی فردیت و عاملیت ایجاد می‌کند. چنان‌که کاتلین با انتقادات صریح، پدر خود و پدر روحانی را خشمگین می‌کند، اما معصومه با دعا و زبان استعاری می‌کوشد به آرمان‌های خود دست یابد.

استناد: کریمی، فاطمه و قهرمان شیر (۱۴۰۴). «زبان آرمانی زنان

سنت‌گرا در دو رمان سهم من و یک دختر تنها: تحلیل گفتمان

انتقادی»، نشریه تحلیل گفتمان ادبی، ۳ (۴)، ۸۳-۱۱۰.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:

تحلیل گفتمان
انتقادی، فرکلاف،
زبان‌شناسی، زنان
سنت‌گرا، زبان زنانه،
گفتمان مردسالار.

۱. مقدمه و بیان مسأله

روایت زنان در ادبیات، همواره عرصه‌ای برای ترسیم کشمکش میان آرمان‌های فردی و ساختارهای سلطه اجتماعی بوده است. زبان، نه تنها ابزار انتقال معنا، بلکه بازتاب‌دهنده روابط قدرت، جایگاه اجتماعی و گفتمان‌های پنهان در دل متن است. از آنجا که زبان‌شناسی در سطح خرد، «توانایی درک تمایزات جنسیتی» (فتوحی‌رودمعجنی، ۱۳۹۱: ۳۹۷) و ایدئولوژیک را در متن ندارد، نیاز به چارچوبی است که فراتر از قواعد دستوری، به لایه‌های عمیق‌تر بپردازد. تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) نورمن فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین گفتمان، این امکان را به ما می‌دهد با تمرکز بر سطح توصیف، به بازشناسی ایدئولوژی و قدرت در زبان زنان سنت‌گرا دست یابیم. او تأکید می‌کند انتخاب واژگان، افراد را در چارچوب نظام‌های دسته‌بندی از پیش موجود و ایدئولوژیک قرار می‌دهد: «برای نمونه، آیا زنان به‌طور نظام‌مند در قالب نقش‌های خانوادگی‌شان (همسر یا مادر) یا بر اساس جذابیت جنسی‌شان برای مردان بازنمایی می‌شوند؟» (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۲۷). پژوهش حاضر، با تأکید بر آرای فرکلاف (۱۹۹۵)، به واکاوی زبان آرمانی زنان سنت‌گرا در رمان‌های «سهم من» نوشته پرنوش صنیعی (برنده جایزه بوکاچو) و «یک دختر تنها» اثر ادنا اوبراین می‌پردازد. پرنوش صنیعی در سهم من، «تبلور مسائل عصر و اجتماع ایران را نشان می‌دهد» (خمسه، شیرزاده، ۱۳۹۷: ۱۶۲) و به گفته خودش، شخصیت اصلی، نمونه‌ای از «شخصیت کلی زن ایرانی است که با تعصبات خانوادگی و ازدواج‌های اجباری درگیر است» (اعتمادی، دهباشی، ۱۳۸۳: ۲۶۴). در مقابل، ادنا اوبراین، نویسنده برجسته ایرلندی، در یک دختر تنها، «تصاویری بی‌پرده از وضعیت زنان در جامعه سنتی و مذهبی ایرلند قرن بیستم ارائه می‌دهد. این اثر، به دلیل «عدم بازنمایی زنان ایرلندی مطابق با معیارهای آرمانی‌شده، با انتقادات جدی روبرو شد» (نونه، ۲۰۰۷: ۳۹). هدف پژوهش، پاسخ به این پرسش است که زبان شخصیت‌های زن در دو رمان سهم من و یک دختر تنها، چگونه آرمان‌های فردی آن‌ها را در بستر گفتمان‌های خانوادگی و مذهبی بازنمایی می‌کند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین به جای تمرکز بر سازوکارهای زبانی، این آثار را عمدتاً از زوایای فمینیستی، جامعه‌شناختی، روانکاوانه یا ژانری واکاوی کرده‌اند:

الف) مقالات مربوط به رمان سهم من

مقاله «سهم من» (شهرستانی، ۱۳۸۳) پژوهشگر در این مقاله، رمان را از لحاظ نوع بیان روایت که «شکسته‌نویسی» است مورد بررسی قرار می‌دهد که نشان می‌دهد به مسائل فنی و نگارشی متن کتاب مربوط است نه تحلیل گفتمان.

مقاله «تحلیل رمان سهم من از دیدگاه فمینیستی» (ساعدی، ۱۳۹۴). در این نوشتار سعی شده است ضمن بیان آرای نظریه پردازان فمینیست، به بررسی و مشخص کردن ویژگی‌های محتوایی رمان یاد شده پرداخته شود؛ اما پژوهشگر نه به دیدگاه‌های آرمانی شخصیت اصلی داستان می‌پردازد و نه قدرت زبان زنانه او را نشان می‌دهد. آنچه در نوشتار وجود دارد ظلمی است که معصومه به عنوان زن جامعه ایرانی متحمل شده و از عاملیت او چشم‌پوشی شده است. مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی رمان سهم من با تکیه بر نظریات لوسین گلدمن» (خمسه، شیرزاده، ۱۳۹۷). در این مقاله، اثر در دو مرحله دریافت و تشریح مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگران در مرحله دریافت بر اساس تحلیل شخصیت‌ها و در مرحله تشریح بر اساس تحلیل جامعه پیش می‌روند. نکته مهمی که وجود دارد، این است که در بخش تشریح به شرایط و اشخاص مردانه‌ای که باعث آگاهی و تغییر نگرش‌های شخصیت‌های داستان می‌شوند، سخن می‌گویند ولی به صدای خود شخصیت زن و تأثیری که روی مخاطب می‌گذارد، نمی‌پردازند.

مقاله «نمایه تصویر رنج‌مندی زنان در دو رمان سهم من از پرنیوش صنیعی و بنات الریاض اثر رجاء عبدالله الصانع» (عبدی، نظری‌پور، ۱۳۹۸). پژوهشگران در این مقاله به بررسی سیمای زن در دو رمان یاد شده می‌پردازند و افکار فمینیستی هر دو نویسنده را تحلیل و نقد می‌کنند. آنها مسئله مهم هنجارشکنی و جسارت زنان را مورد بررسی قرار می‌دهند اما در بررسی‌های خود غالباً بر عملکرد شخصیت‌ها تمرکز دارند نه تحلیل گفتمان آنها.

مقاله «واکاوی کهنتری و مکانیسم‌های جبران شخصیت معصومه در رمان سهم من با تکیه بر روانشناسی آدلر» (صمیمی، همکاران، ۱۳۹۹). در این مقاله به نقد روانکاوانه رمان سهم من پرداخته می‌شود و نگارندگان با توجه به نظریه آدلر برای تبیین سبک زندگی، به علل پیدایی عقده حقارت و مکانیسم‌های جبران شخصیت اصلی رمان، معصومه می‌پردازند. مقاله «بررسی روانکاوانه نیاز مهرطلبانه و تفاوت آن با عشق سالم در رمان سهم من بر اساس نظریه کارن هورنای» (همان) تلاش می‌کند وجه تمایز بین موضوع عشق سالم و نیاز مهرطلبانه را با توجه به نظریه کارن هورنای در شخصیت اصلی رمان «سهم من» تبیین نماید. در این تحلیل، انگیزه معصومه در اتکا به عشق، غالباً در روان‌رنجوری وی قلمداد می‌شود که به خاطر تنهایی و حقارت به آن پناه برده است و نگرش آرمانی او را بررسی نمی‌کند.

«آرمان‌شهر زنانه و سنت‌گرا: بررسی جامعه‌شناختی دو رمان سهم من (پرنیوش صنیعی) و یک دختر تنها (ادنا اوبراین)» (کریمی و شیرزی، ۱۴۰۴). پژوهشگران در این مقاله دو اثر را به لحاظ جامعه‌شناختی آرمانی بر اساس نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز و مفهوم آگاهی انتقادی پائولو فریره مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند و به طور کلی به این می‌پردازند که جهان‌بینی

آرمانی زنان سنت‌گرا در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی‌شان به چه اشکالی شکل می‌گیرد. این مقاله بر عملکرد شخصیت‌ها تمرکز دارد و گفتمان آرمانی زنان را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. جست‌وجوی آرمان‌شهر زنانه: بررسی سفر قهرمان زن در سایه سنت (با تکیه بر رمان‌های سهم من و یک دختر تنها)، (کریمی، منصوری، ۱۴۰۵). مقاله در بستر روان‌شناسی، از طریق مراحل نه‌گانه سفر قهرمان زن مورین مورداک به مقایسه تطبیقی دو رمان می‌پردازد. مقاله اگرچه تحول شخصیت‌ها را تا مسیر خودشناسی و درک مفهوم دنیای آرمانی خود، مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی گفتمان شخصیت‌ها را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار نمی‌دهد و بر نگرش شخصیت‌ها به مفهوم آرمان‌شهر تمرکز بیشتری دارد.

(ب) مقالات مربوط به رمان یک دختر تنها

مقاله «به نام مادر...: اپیلوگ سه‌گانه دختران کشور ادنا اوبراین» (بایرون، ۲۰۰۲). در این مقاله موضوعاتی چون مادری، جنسیت، دین و ازدواج که در تریولوژی (رمان سه‌گانه) ادنا اوبراین مطرح است، مورد بررسی قرار گرفته است که مربوط به مباحث جامعه‌شناختی هستند و نه تحلیل گفتمان. مقاله «بازگشت به خود تنها: خودمختاری، خواسته و تحول هویت در مجموعه دختران روستا» (نونه، ۲۰۰۷). این مقاله تمرکز خاصی روی رمان «یک دختر تنها» دارد و به بررسی و نقد اجتماعی نهفته در توصیف‌های اوبراین از تسلیم کیت (کاتلین) می‌پردازد و به این موضوع می‌پردازد که تا چه حد قهرمانی مشکوک بی‌با (دوست کاتلین) به‌عنوان مدلی برای هویت زنانه آزاد عمل می‌کند. این مقاله نیز توجه ویژه‌ای به مباحث اجتماعی و عملکرد شخصیت‌های رمان دارد و به گفتمان آرمانی آنها نمی‌پردازد.

مقاله «ترومای ساختاری در مجموعه دختران روستا اثر ادنا اوبراین: رمانس بازآفرینی» (وستون، ۲۰۱۰). پژوهش‌گر در این مقاله به بررسی مجموعه دختران روستا اثر ادنا اوبراین می‌پردازد که از تجربه یک زن ایرلندی کاتولیک روستایی است. در نظر پژوهشگر در سه رمان این مجموعه - دختران روستا (۱۹۶۰)، یک دختر تنها (۱۹۶۲) و دختران در خوشبختی متأهلی (۱۹۶۴) روایت نشان می‌دهد که چگونه درد و محرومیت‌های دوران کودکی می‌توانند پیشرفت یک فرد را متوقف کنند و زندگی را به بازآفرینی گذشته بدل کنند به جای اینکه فرآیند تغییری صورت گیرد.

مقاله «بازنویسی ژانر در تریولوژی دختران روستا» (آ.چیس، ۲۰۱۰). پژوهشگر به بررسی عقاید منتقدانی می‌پردازد که بر این باورند برای درک رمان‌های اوبراین، خواننده باید اوبراین را درک کند و بنابراین، رمان‌ها را تنها به عنوان آثار خودزندگی‌نامه‌ای مشاهده کند. تمرکز پژوهشگر در این مقاله بیشتر روی نویسنده رمان است و نه شخصیت‌های رمان.

کتاب «افکار ناپاک: جنسیت، کاتولیک‌گرایی و ادبیات در ایرلند قرن بیستم» (جی کرونین، ۲۰۱۲). این کتاب، اولین مطالعه دربارهٔ رمان بیلدونگس‌رمان (تربیتی-تکوینی) کاتولیک ایرلند در قرن بیستم است. این بررسی مقایسه‌ای از شش رمان‌نویس ایرلندی، تحول تاریخی یک ژانر ادبی و نقش مهم آن در فرهنگ ایرلندی را دنبال می‌کند. با فصولی دربارهٔ جیمز جویس و کیت اوبراین، به همراه مطالعاتی دربارهٔ مورا لاورتی، پاتریک کاوانا، ادنا اوبراین و جان مک‌گاهرن، این کتاب، رویکردی تازه به مطالعهٔ ادبیات ایرلند در قرن بیستم و رمان‌های آن دوره ارائه می‌دهد.

مقاله «تخلّفات تماتیک (موضوعی) و نوآوری‌های فرمی در تریلوژی دختران روستا اثر ادنا اوبراین» (باروس دل‌ریو، ۲۰۱۸). این مقاله به بررسی بلوغ دو زن جوان روستایی در ایرلند، میانهٔ قرن بیستم، به عنوان یک بیلدونگ‌رمان (تربیتی) زنانه می‌پردازد و همچنین مضامین سیاسی این اثر و نوآوری‌های ساختاری که نویسنده برای ترسیم غیرممکن بودن شکل بیلدونگ زنانه به کار می‌برد، تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که به عقیدهٔ نویسنده، عشق و وابستگی بیشتر بر زنان غالب است تا عقل و رشد شخصی. بنابراین، دیدگاه آرمانی وجود نخواهد داشت.

مقاله «پنج زن ایرلندی: جمهوری دوم، ۱۹۶۰-۲۰۱۶» (نولان، ۲۰۱۹). این کتاب شامل پنج پرتله از زنان ایرلندی در زمینه‌های مختلف - ادبیات، روزنامه‌نگاری، موسیقی و سیاست - است که از حدود سال ۱۹۶۰ به شهرت برجسته‌ای دست یافته‌اند: ادنا اوبراین، سیناد اوکانر، برنادت مک‌آلیسکی، نوالا اوفولین و آن انرایت.

مقاله «یک ادیسه زن از توهم رمانتیک: زنان بدجنس در پنج داستان عاشقانه ادنا اوبراین» (چانگ، وان‌لیه ۲۰۱۹). این مقاله به موضوع تکرارشوندهٔ عشق و از دست دادن در داستان‌های عاشقانهٔ ادنا اوبراین می‌پردازد. این مطالعه، عوامل زیربنای مهجوریت ظاهری-عاطفی قهرمانان را در پنج داستان ادنا اوبراین: شیء عشق (۱۹۶۷)، بهشت (۱۹۶۸)، شماره ۱۰ (۱۹۷۶)، خانم راینهارد (۱۹۷۸) و عروسک (۱۹۷۹) مورد بررسی قرار می‌دهد و در چشم‌انداز نویسندهٔ رمان‌ها نشان می‌دهد که این عشق نه راهی برای بلوغ و رشد بلکه عاملی برای نابودی زنان است.

کتاب «شبکهٔ زیبا: فیلیپ راث، ادنا اوبراین، و ادبیات یهودی-ایرلندی» (دن اوبراین، ۲۰۲۰). نویسنده در این مقاله به دو غول ادبیات قرن بیستم و بیست و یکم می‌پردازد؛ یعنی نویسندهٔ ایرلندی ادنا اوبراین و همتای آمریکایی او فیلیپ راث. این کتاب به بررسی تقارن‌های بیوگرافی، متنی و سبکی چشمگیر بین دو نویسنده از فرهنگ‌ها و سنت‌های ادبی بسیار متفاوت می‌پردازد که در تلاشی مشترک برای گفتن چیزهای ناگفتنی متحد شده‌اند.

۳. چهارچوب نظری

از نظر «علم اجتماعی انتقادی» [...] ایده‌ها نیاز به تبیین اجتماعی دارند و زندگی اجتماعی نیز باید تا حدی از نظر ایده‌ها، یعنی بر اساس تأثیرات ایده‌ها، تبیین شود» (فرکلاف، فرکلاف، ۲۰۱۲: ۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، شکلی از تحلیل اجتماعی انتقادی است که بر روابط میان گفتمان و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی تمرکز دارد و انتقاد آن تا حدی اخلاقی است. نقد اخلاقی در درجه اول، نقد کنش‌هاست؛ اما کنش‌ها توسط کنش‌های اجتماعی، نهادها و ساختارها شرطی و محدود می‌شوند. بنابراین، نقد اخلاقی باید به آن‌ها نیز تعمیم داده شود» (فرکلاف، فرکلاف، ۲۰۱۸: ۱۶۹).

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مبتنی بر سه سطح: توصیف، تفسیر و تبیین است. از آنجاکه پژوهش حاضر مبتنی بر ارزیابی زبان زنانه است صرفاً به «سطح توصیف» آن خواهیم پرداخت. در «سطح توصیف» به عنوان نخستین سطح، متن (رمان) بر اساس روابط منطقی میان واژگانی که مبتنی بر ویژگی‌های صوری متن است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بخش به مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، بدون در نظر گرفتن نقش زمینه، توجه دارد و می‌خواهد به ده پرسش مهم زبان‌شناسی پاسخ دهد. «افراد در جریان گفتگو، نوبت‌های خود را با واحدهایی مانند یک جمله پیچیده، یک جمله ساده، یک عبارت یا حتی یک واژه می‌سازند» (فرکلاف، ۲۰۱۳: ۱۸-۱۹) برای درک این قواعد، در بخش توصیف پرسش‌های زیر مطرح هستند:

پرسش ۱: کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ یعنی چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متون، در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهد، در واژگان آنها رمزگذاری می‌شود؟

پرسش ۲: کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ یعنی چگونه انتخاب کلمات متن بستگی به روابط اجتماعی بین مشارکین دارد و چگونه به ایجاد این روابط کمک می‌کند، کلمات احتمالاً هم‌زمان با این ارزش‌های رابطه‌ای، واجد ارزش‌های دیگر نیز هستند.

پرسش ۳: کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ تفاوت میان انواع گفتمان به لحاظ ارزش‌های بیانی کلمات بار دیگر به لحاظ ایدئولوژی معنادار است.

پرسش ۴: از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ استعاره، وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر از آن است و به هیچ‌وجه منحصر به آن نوع گفتمان نیست که به صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن فرض می‌شود، یعنی شعر و گفتمان ادبی.

پرسش ۵: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ یعنی صورت‌های دستوری یک زبان به رمزگذاری اتفاقات یا روابط در جهان، انسان‌ها یا حیوانات یا اشیائی

که در این اتفاقات یا روابط دخیل هستند و شرایط زمانی و مکانی، نحوه وقوع آنها و دیگر موارد می‌پردازند.

پرسش ۶: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ این پرسش بر سه ویژگی دستوری در حوزه رابطه‌ای تاکید دارد: وجه‌های جمله (خبری، امری، پرسشی)، وجهیت (جهت اقتدار به کدام سو است) و ضمائر (آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است).

پرسش ۷: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ میان آن دسته از فعل‌های کمکی وجهی که نشانه وجهیت رابطه‌ای هستند و آن دسته از فعل‌هایی که نشانه وجهیت بیانی هستند، نوعی هم‌پوشی وجود دارد.

پرسش ۸: جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ این ارزش مربوط به ارزش‌هایی می‌شود که ویژگی‌های صوری در پیوند دادن بخش‌های مختلف متن به یکدیگر واجد آنها هستند؛ اما این ارزش همچنین با رابطه بین متون و بافت‌ها سروکار دارد.

پرسش ۹: از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ ویژگی‌های صوری در سطح متنی به خصوصیات سازمانی صوری همه متون مربوط می‌گردند. با توجه به مفهوم گسترده‌ای از «متن»، متن شامل ویژگی‌های سازمانی گفتگو و تک‌گویی می‌شود.

پرسش ۱۰: متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟ انتظارات مشارکین درباره ساخت تعامل‌های اجتماعی‌ای که در آنها شرکت دارند یا متن‌هایی که می‌خوانند عامل مهمی در تفسیر هستند.

۴. بحث و بررسی

پیش از ورود به بحث اصلی، توضیحاتی کلی در مورد دو رمان مورد مطالعه ذکر می‌شود. لازم به ذکر است، از آنجا که تمرکز پژوهش بر زبان آرمانی شخصیت‌های زن سنت‌گراست، برای فهم شکل‌گیری و موقعیت زبان آن‌ها، باید در کنار جملات کلیدی زنان، گفتمان کلیدی مردانه‌ای که در مقابل یا پیرامون آن‌ها عمل می‌کند نیز بررسی شود. از این‌رو، در مواردی که زبان مردان (همچون پدر، برادر یا معشوق) به ساخت، تقویت یا طرد زبان آرمانی زنان مرتبط است، تحلیل آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد. تحلیل واژگان در دو رمان سهم من و یک دختر تنها نشان می‌دهد که چگونه زنان، آرمان‌های فردی مانند عشق، تحصیل و استقلال را با واژگانی مثبت بیان می‌کنند؛ اما همین واژگان از سوی ساختارهای قدرت (خانواده، مذهب) به عنوان تهدید یا انحراف معنا می‌شوند. در این سطح، تضاد آشکاری میان زبان زنانه و زبان سلطه آشکار می‌شود.

۴-۱. رمان سهم من

رمان سهم من، روایت زنی است که در دل ساختار سنتی و مردسالار خانواده ایرانی، با زبان آرمانی خود تلاش می‌کند هویت فردی و آرزوهایش را بیان کند. زبان او، در قالب جملات خبری و واژگان آرمان‌گرایانه مانند «تحصیل»، «عشق» و «آینده روشن»، بازتاب‌دهنده میل به رهایی است؛ درحالی‌که زبان خانواده با ساختارهای دستوری، امری و تحقیرآمیز، سلطه و سرکوب زن را بازتولید می‌کند. متن در سطح توصیفی، تقابل میان زبان زن و زبان قدرت را در ساختار گفتمانی آشکار می‌سازد.

۴-۲. رمان یک دختر تنها

رمان یک دختر تنها، روایت زنی است که در بستر جامعه مذهبی و محافظه‌کار ایرلند، میان میل فردی و سلطه کلیسا و خانواده گرفتار است. زبان او در قالب واژگان عاشقانه، لذت‌جویانه و تردیدآمیز، بازتاب‌دهنده آرمان‌های فردی و ناتوانی در بیان کامل آن‌هاست. در مقابل، زبان قدرت، با ساختارهای امری، داوری و تهدید، سلطه مذهب و سنت را تثبیت می‌کند. در سطح توصیفی، متن، نمایانگر جدال میان زبان زنانه و گفتمان سخت‌گیر مذهبی است.

۴-۳. تحلیل گفتمان انتقادی رمان‌ها

۴-۳-۱. در سطح واژگان

پرسش ۱: کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ آنچه جدول هر دو رمان در خصوص این پرسش نشان می‌دهد، این است که واژگان هر دو شخصیت بسته به تفاوت محیطی و فرهنگی خود دارای ارزشی متفاوت و گاهی مشابه است. در مقایسه تطبیقی آنچه به دست آمده این است که در هر دو رمان، زبان زنانه در پی بازنمایی آرمان‌های فردی مانند عشق یا تحصیل است؛ اما این زبان در رمان سهم من بیشتر با کنترل خانوادگی و در یک دختر تنها بیشتر با سلطه مذهبی مواجه می‌شود. در هر دو، تجربه زن با واژگان گناه، محدودیت و حذف همراه است.

در سهم من، واژگان مرتبط با تحصیل، عشق و ازدواج آرمان‌های فردی زن سنت‌گرایی را بازتاب می‌دهند که به خاطر آن‌ها در مقابل خانواده و اجتماع سنتی ایستادگی می‌کند. معصومه می‌خواهد در بطن ساختار محدود خانواده و مذهب، هویت فردی خود را پیدا کند. در مقابل، واژگانی مانند «بی‌حجاب»، «سالم نمی‌مونه» و «آبرو» که در متن از زبان عاملان قدرت، یعنی برادران ابراز می‌شود، تجربه زن را با ترس، محدودیت و کنترل تعریف می‌کنند.

شخصیت کلیدی	جمله‌های آرمانی	گفتمان آرمانی شخصیت اصلی	ارزش تجربی واژگان	تحلیل گفتمان آرمانی
معصومه	هر روز می‌رفتم حرم حضرت معصومه تا بذارن که برم مدرسه (۸)	گفتمان زن مذهبی آرمان‌گرا	تحصیل = آرمان شخصی / دین = ابزار تحقق	ترکیب زبان مذهبی با خواسته مدرن؛ دختر سنت‌گرا با زبان دین تلاش می‌کند مسیر تحصیل را باز کند
معصومه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی» (۲۴)	گفتمان زن فردگرا	تحصیل = تحقق خود / استقلال	واژگان «آرزو» و «رشته ادبی» بازتاب آرمان زن سنت‌گراست که در پی هویت مستقل خود است.
معصومه	احساس می‌کردم دنیا در چنگ من است... عشق واقعی، آینده روشن... (۵۲)	گفتمان زن عاشق / رهایی‌جو	عشق = رهایی / تحقق / امید	واژگان «دنیا»، «در چنگ»، «آینده» نشان می‌دهند که تجربه عاشقانه برای زن سنتی، نوعی آزادی فردی محسوب می‌شود؛ یعنی نجات از ساختار

جدول شماره ۱-۱: ارزش‌های تجربی واژگان (سهم من)

در یک دختر تنها نیز واژگان مرتبط با عشق، لذت، ازدواج و موسیقی، آرمان فردی زن جوان را برای تجربه زندگی و عشق بازتاب می‌دهد. کاتلین از آنجا که در یک محیط سنتی و محدود روستایی پرورش یافته، خواسته‌هایی را که ممکن است هر نوجوانی داشته باشد به عنوان آرمان فردی تلقی می‌کند و برای به دست آوردن آنها در مقابل کلیسا، خانواده و اجتماع می‌ایستد. در گفتمان‌های مربوط به او واژه‌هایی مانند «گناه»، «انحطاط اخلاقی» و «کلیسا» تجربه زن را در چهارچوب ترس، گناه و سلطه مذهبی محدود می‌کنند.

شخصیت کلیدی	جمله‌های آرمانی	گفتمان آرمانی شخصیت اصلی	ارزش تجربی واژگان	تحلیل گفتمان آرمانی
کاتلین	نمی‌توانستم بین حرف زدن و در عین حال لذت نگاه کردن به او میزانی برقرار کنم. (۲۰)	گفتمان زن لذت‌جو / در کشمکش	عشق = تجربه درونی جسم/ذهن	واژه «لذت» به تجربه بدنی زن اشاره دارد که در دل گفتمان اخلاقی مذهبی سرکوب شده است.
کاتلین	منتظر اوژن ایستادم می‌خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	گفتمان زن سنت‌گرا با میل شخصی	ازدواج = انتخاب / خواستن	زبان ساده و بی‌پیرایه بازتاب نیاز عاطفی است؛ زن منتظر و سخنگو، اما هنوز در جایگاه منفعل اجتماعی است

کاتلین	گفتم: صورت تو حالت صوفیانه‌ای به خود گرفته است. (۷۶)	گفتمان شاعرانه زن / معنابخش	عشق = امر معنوی و زیبایی‌شناسانه	تجربه عشق با واژگان عرفانی بیان می‌شود؛ زن از طریق زبان استعاری، جهان شخصی‌اش را معنوی می‌سازد. بازنمایی عشق زنانه به‌عنوان راه‌رهای است
--------	--	-----------------------------	----------------------------------	--

جدول شماره ۱-۲: ارزش‌های تجربی واژگان (یک دختر تنها)

پرسش ۲: کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ در پاسخ به این پرسش گفتمان مربوط به مشارکت‌های اجتماعی شخصیت‌ها به همراه اطرافیان‌شان را در مسیر آرمان‌های فردی‌شان انتخاب کردیم. در مقایسه‌ای تطبیقی می‌یابیم که در هر دو رمان، روابط زبانی میان زن و اطرافیان او نابرابر است؛ اما تفاوت عمده‌ای که وجود دارد، این است که در سهم من، سلطه و تحقیر بیشتر از سوی خانواده و در یک دختر تنها، از سوی نهاد مذهب و فرهنگ اعمال می‌شود. در هر دو، زبان زنانه، کمتر فرصت برای بیان مستقیم یا تعامل برابر دارد. مطابق جدول، در سهم من، زبان رابطه‌ای بیشتر بر پایه سلطه، داوری و حذف صدای زن بنا شده است. زبان مادر و برادران آشکارا تحقیرآمیز و محدودکننده است؛ در حالی که زبان معصومه بیشتر درونی و فاقد امکان گفت‌وگوی برابر است. زبان پدر ظاهراً حمایتی اما مشروط و از بالا به پایین است:

شخصیت	جمله‌ها	گفتمان آرمانی و ضد آرمانی شخصیت‌ها	ارزش رابطه‌ای واژگان	تحلیل گفتمان
معصومه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی (۲۴)	زن سنتی آرمان‌گرا	گفتار درونی، بی‌مخاطب مستقیم	زن آرزومند از زبان اول‌شخص استفاده می‌کند، اما بدون امکان بیان علنی؛ گفتمان فرودستی و حذف تعامل مستقیم با قدرت
مادر	دختر که درس به دردش نمی‌خوره، بی‌خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	خانواده سنتی قضاوت‌گر	داوری بالا به پایین، بدون گفت‌وگو	رابطه زبانی از موضع سلطه است؛ مادر اجازه تعامل یا پرسش نمی‌دهد.
پدر	مدیرشون گفته این خیلی با استعداد آدم مهمی می‌شه	پدر سنتی محافظه‌کار	حمایت غیرمستقیم، واسطه‌دار	پدر از زبان خود استفاده نمی‌کند؛ اعتبار معصومه را از زبان مدیر مرد می‌گیرد؛

	(۲۶)			رابطه حمایتی مشروط است.
برادران	محمود گفت: دخترى كه بى حجاب بره تو مدرسه هاى تهرون سالم نمى مونه (۶۲)	گفتمان كنترل گر مذهبی	تهدید غیرمستقیم، سلطه از طریق داوری اجتماعی	جمله خطاب به عام است اما هدف خواهر است؛ زبان هشداردهنده و پیشگیرنده برای کنترل زن

جدول شماره ۲-۱: ارزش رابطه‌ای واژگان (سهم من)

در رمان یک دختر تنها، ارزش رابطه‌ای واژگان بر پایه سلطه مذهبی و خانوادگی شکل می‌گیرد. زبان کلیسا و پدر همراه با تهدید، تحقیر و داوری مطلق است. زبان اوژن، عاشقانه و مدرن است؛ اما همچنان رابطه قدرت را پنهان می‌کند. زبان کاتلین بیشتر منتظر، منفعل و تابع ساختار است.

شخصیت	جمله‌ها	گفتمان آرمانی و ضد آرمانی شخصیت‌ها	ارزش رابطه‌ای واژگان	تحلیل گفتمان
کاتلین	منتظر اوژن ایستادم می‌خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	زن سنتی عاشق	جایگاه پایین‌تر، زبان ملایم	زن منتظر مرد است و قصد دارد گفت‌وگو کند؛ زبانش نشان‌دهنده انتظار و موقعیت پایین‌تر در رابطه عاطفی است
اوژن	در این چند هفته گذشته دایم به تو فکر کرده‌ام (۳۹)	مرد مدرن عاشق	زبان نرم، اما همچنان راهبر	مرد به زن توجه نشان می‌دهد اما کنترل گفت‌وگو دست اوست.
پدر	تو مثل یک گاو وحشی زندگی می‌کنی (۱۱۱)	سلطه پدران خشن	تحقیر مستقیم، انکار هویت	زبان خشنوت‌بار و حیوان‌انگار؛ رابطه کاملاً فرادست/ فرودست.
عمه	عمه گفت: دختر خوبی خواهد شد و دیگر به مجالس رقص نخواهد رفت. (۱۵۰)	زن سنتی محافظه‌کار	قضاوت نرم از موضع اخلاقی	زبان پیش‌گویی و انتظار از اصلاح دختر، بدون گفت‌وگو.
کلیسا	پدر روحانی گفت: تو به جاده انحطاط اخلاقی پا گذاشته‌ای (۱۴۶)	سلطه مذهبی	حکم قطعی از بالا، بدون حق پاسخ	رابطه زبانی دینی در قالب قضاوت الهی؛ زن فقط مخاطب امر و نهی است.

جدول شماره ۲-۲: ارزش‌های رابطه‌ای واژگان (یک دختر تنها)

پرسش ۳: کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ در این پرسش «ایدئولوژی‌ها و کنش‌های طبیعی شده، به بخشی از «پایه دانشی» تبدیل می‌شوند که در تعاملات فعال می‌شود» (فرکلاف، ۲۰۱۰: ۳۷). بنابر کنش‌های ایدئولوژیک باید گفت در هر دو رمان، ارزش بیانی واژگان زنانه مثبت است اما در نگاه قدرت‌های بیرونی منفی جلوه می‌کند. در سهم من این تقابل در بستر خانواده و در یک دختر تنها در بستر مذهب و کلیسا پررنگ‌تر است؛ اما در هر دو، زن در بیان آرمان‌های خود محدود می‌شود. در سهم من، ارزش بیانی واژگان به شدت وابسته به زاویه دید شخصیت‌هاست. برای معصومه، تحصیل و عشق آرمان مثبت است؛ اما خانواده، همین واژگان را نشانه بی‌آبرویی و انحراف می‌دانند. زبان مثبت زن در دل گفتمان سرکوب منفی جلوه می‌کند.

شخصیت‌ها	جمله‌ها	گفتمان آرمانی و ضد آرمانی شخصیت‌ها	ارزش بیانی واژگان از دید شخصیت‌ها	تحلیل ایدئولوژیک
معصومه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی (۲۴)	ادامه تحصیل	مثبت	گفتمان زن سنتی آرزومند برای رشد فردی؛ ارزش‌گذاری فردی در برابر سنت خانواده
معصومه	احساس می‌کردم دنیا در چنگ من است. همه چیز داشتم، عشق واقعی آینده روشن... (۵۲)	ازدواج عاشقانه	مثبت	تصویر مثبت و آرمانی از ازدواج عاشقانه؛ مقاومت نرم علیه ازدواج تحمیلی سنتی
معصومه	هر مردی غیر از سعید فقط می‌تونه به جنازه من دست بزنه (۸۲)	ازدواج سنتی	منفی	رد کامل نظام ازدواج سنتی بی‌احساس؛ تأکید بر فردیت و انتخاب عاشقانه زن
مادر	دختر که درس به دردش نمی‌خوره، بی- خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	تحصیل دختر	منفی	بازتولید گفتمان سنتی زن خانه‌دار؛ نادیده گرفتن رشد فردی زن.
مادر	خدا بخواد په آدم درست و حسابی بپسندتش... (۷۹)	ازدواج سنتی	مثبت	تأیید ازدواج سنتی براساس خواستگاری و رضایت مرد؛ زن منفعل و بی‌قدرت
پدر	مدیرشون گفته این خیلی با استعداد آدم مهمی می‌شه	تحصیل دختر	مثبت	گفتمان مدرن‌تری در خانواده؛ ارزش‌گذاری استعداد زن.

	(۲۶)			گرچه در نهاد مردانه (مدرسه) شنیده شده
پدر	پدر گفت: این بود دستمزد؟ خوب آبرومو حفظ کردی (۶۲)	ازدواج عاشقانه	منفی	تحقیر و طرد دختر به خاطر انتخاب شخصی؛ مفهوم آبرو به مثابه مالکیت پدر بر زن
برادران	محمود گفت: دختری که بی حجاب بره تو مدرسه های تهرون سالم نمی مونه (۶۲)	تحصیل دختر	منفی	تقابل حجاب/فساد در گفتمان مردانه سنتی؛ تحصیل دختر = بی اخلاقی پنهان
برادران	بالاخره کار خودتو کردی؟ حالا چطور می خوایی جلو در و همسایه سر بلند کنی (۵۴)	ازدواج عاشقانه	منفی	ازدواج عاشقانه به عنوان مایه ننگ اجتماعی؛ گفتمان کنترل زن از راه نگاه دیگران

جدول شماره ۳-۱: ارزش های بیانی واژگان (سهم من)

در یک دختر تنها، زبان عاشقانه و آزاد کاتلین واجد ارزش مثبت است اما ساختارهای مذهبی و خانوادگی همین واژگان را منفی تلقی می کنند. زبان مثبت زنانه دائماً زیر سایه زبان دآوری کلیسا و خانواده قرار دارد و ارزش بیانی آن تضعیف می شود:

۹۶

شخصیت	جمله ها	گفتمان آرمانی و ضد آرمانی شخصیت ها	ارزش بیانی واژگان از دید شخصیت ها	تحلیل ایدئولوژیک
کاتلین	منتظر اوژن ایستادم می - خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	ازدواج عاشقانه	مثبت	زن به دنبال ازدواج عاشقانه ست، اما خودش پیش قدم می شه.
اوژن	در این چند هفته گذشته دایم به تو فکر کرده ام (۳۹)	روابط آزادانه	مثبت	گفتمان رمانتیک و آزادگرای مرد مدرن؛ تأیید علاقه بدون وابستگی مذهبی یا قانونی
پدر	در این سن و سال واقعا مصیبت قشنگی سرم آمده است (۱۱۲)	ازدواج با مرد غیر مذهبی	منفی	عشق و انتخاب زن مایه شرم و مصیبت برای پدر؛ نهاد خانواده = کنترل ناموس
پدر	تو مثل یک گاو وحشی زندگی می کنی (۱۱۱)	شرکت در مجالس رقص	منفی	زبانی تحقیرآمیز و حیوان انگار؛ آزادی زنانه را

		و موسیقی	بی‌شرمی می‌بیند
عمه	تو نمی‌توانی بروی و مرا تنها بگذاری. پدرت بفهمد مرا خواهد کشت (۱۲۶)	ازدواج با مرد غیر مذهبی	سرزنش عاطفی برای بازداشتن زن از استقلال؛ گفتمان فداکاری زن برای خانواده
عمه	عمه گفت: دختر خوبی خواهد شد و دیگر به مجالس رقص نخواهد رفت. (۱۵۰)	شرکت در مجالس رقص و موسیقی	رقص = بی‌ادبی؛ بازگشت به «دختر خوب» با ترک لذت و آزادی زنانه
کلیسا	پدر روحانی گفت: تو به جاده انحطاط اخلاقی پا گذاشته‌ای (۱۴۶)	ازدواج با مرد غیر مذهبی	گفتمان مذهبی - کنترل‌گر؛ عشق زنانه = فساد و انحراف
کلیسا	پدر روحانی گفت: ترا در کلیسا خواهم دید... اعترافات شنبه است (۱۵۰)	شرکت در مجالس رقص و موسیقی	گفتمان تنبیه/پاک‌سازی؛ زبان بازگشت به نظم اخلاقی کلیسا
کلیسا	پدر روحانی گفت: او لوامر پروردگار را اطاعت خواهد کرد. (۱۴۸)	زن مطیع مذهب	زن خوب = زن مطیع دین و قدرت مردانه؛ آرمان مذهبی زن در قالب اطاعت کامل

جدول شماره ۳-۲: ارزش‌های بیانی واژگان (یک دختر تنها)

پرسش ۴: از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ در هر دو رمان، استعاره‌ها ابزار قدرتمندی برای تثبیت سلطه بر زن هستند. در سهم من، استعاره‌ها مستقیم‌تر و سخت‌ترند و در یک دختر تنها بیشتر میان تحقیر مذهبی و زیباسازی عاطفی در نوسان‌اند. در هر دو، استعاره نقش سرکوب یا مقاومت دارد. در سهم من، استعاره‌ها عموماً بازتاب سرکوب و کنترل بدن و هویت زن هستند. بدن زن با جنازه و آبرو یکی می‌شود و ازدواج یا عشق در چارچوب مالکیت و مرگ تعریف می‌شود. زبان استعاری در خدمت تحقیر و محدودیت زن قرار دارد.

شخصیت	عبارات استعاری	مقصود گوینده	تحلیل گفتمان استعاری
معصومه	هر مردی غیر از سعید فقط می‌تونه به جنازه من دست بزنه (۸۲)	غیر از مرد محبوبش، بقیه برایش بی‌ارزش و گناه‌آلودند	استعاره «جنازه» بیانگر کنترل کامل بر بدن؛ تحقیر رابطه سنتی بدون عشق = زن آرمانی خودمختار است، نه متعلق به مرد بی‌احساس

پدر	پدر گفت: این بود دستمزد؟ خوب آبرومو حفظ کردی	رفتار معصومه باعث بی‌آبرویی پدر شده	«آبرو» استعاره از مالکیت اخلاقی مرد بر زن است؛ زن = سرمایه شرافت پدر = بازنمایی رابطه تملکی سنتی
مادر	خدا بخواد یه آدم درست و حسابی بپسندتش (۷۹)	آرزوی ازدواج سنتی برای دختر	استعاره از مرد «درست و حسابی» یعنی قابل اعتماد، مذهبی، مطابق سنت = زن باید پسندیده شود؛ نه انتخاب‌گر، بلکه انتخاب‌شونده
برادران	محمود گفت: دختری که بی‌حجاب بره تو مدرسه های تهرون سالم نمی‌مونه (۶۲)	تحصیل در تهران برابر با فساد است	«سالم نمی‌مونه» استعاره از فساد اخلاقی زن آزاد است؛ گفتمان کنترل بدن و ترس از انحراف در فضای شهری مدرن

جدول شماره ۴-۱: ارزش استعاری واژگان (سهم من)

در رمان یک دختر تنها استعاره‌هایی مثل «گاو وحشی» برای زن مستقل، «جاده انحطاط اخلاقی» برای مسیر عشق زنانه و «صورت صوفیانه» برای عشق عاشقانه، نشان می‌دهد که زبان در این رمان میان تحقیر، ترس مذهبی و زیباسازی رابطه عاشقانه نوسان دارد.

شخصیت	عبارات استعاری	مقصود گوینده	تحلیل گفتمان استعاری
کاتلین	گفتم: اوژن صورت تو حالت صوفیانه ای به خود گرفته است (۷۶)	تحسین و عرفانی کردن تصویر مرد محبوب	گفتمان عاشقانه زن در اینجا مرد را به مقام روحانی ارتقا می‌دهد = پیوند عرفان با عشق، بازتاب تخیل زن سنتی در ایده آل‌سازی مرد
اوژن	کاتولیک‌ها باایمان‌ترین مردم روی زمین هستند، ایمان آنها مرا به وحشت می‌اندازد. (۴۲)	شدت باور مذهبی آن‌ها باعث فشار روانی‌اش است	«ایمان = ترس» = وارونه‌سازی استعاره سنتی دین به مثابه پناه؛ مرد مدرن در برابر گفتمان دینی مقاومت می‌کند
پدر	تو مثل یک گاو وحشی زندگی می‌کنی (۱۱۱)	سبک زندگی دختر را کنترل‌نشده و بی‌قید می‌داند	زن آزاد = حیوان رام‌نشده = استعاره توهین آمیز و سلطه‌گر؛ هدف: بی‌ارزش‌سازی استقلال زنانه
عمه	عمه گفت: دختر خوبی خواهد شد و دیگر به مجالس رقص نخواهد رفت. (۱۵۰)	امیدوار است کاتلین از رقص و آزادی فاصله بگیرد	«دختر خوب» استعاره‌ای زن مطیع، بدون خواسته، اهل خانه؛ رقص = خروج از اطاعت.

پدر روحانی	به روح ابدی خود بیاندیش، به آسویی که به آن می‌رسانی، ما همگی در زیر حکم مرگ هستیم. (۱۴۷)	ترساندن کاتلین برای بازگشت به راه دین	گفتمان مذهبی از استعاره مرگ، جهنم و روح برای کنترل رفتار استفاده می‌کند.
------------	--	---	--

جدول شماره ۴-۲: ارزش استعاری واژگان (یک دختر تنها)

۴-۳-۲. در سطح دستور

پرسش ۵: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ در یک مقایسه تطبیقی چنین برمی‌آید که در هر دو رمان، ساختارهای دستوری زبان زنانه بازتاب تجربه فردی و درونی است؛ درحالی‌که زبان قدرت (خانواده یا مذهب) با ساختارهای امری و داورى تجربه سلطه و محدودیت را بازتاب می‌دهد. زن‌ها کمتر از زبان دستوری برای اعمال قدرت استفاده می‌کنند. جملات ساده و خبری معصومه برای بیان آرمان‌های فردی اوست. در مقابل، جملات قضاوتی و امری خانواده، حامل محدودیت و حذف است. ارزش تجربی این ساختارها نشان می‌دهد زن برای بیان خواسته‌هایش از زبان نرم استفاده می‌کند؛ اما در برابر زبان سخت قدرت قرار دارد.

۹۹

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش تجربی	تحلیل گفتمان
معصومه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی (۲۴)	جمله‌ی ساده با فاعل اول شخص مفرد (من) + فعل آرزویی	بیان عاملیت شخصی، تجربه فردی	زبان زن آرمانی سنت‌گرا به‌صورت فردی، خواهان رشد است؛ استفاده از «من» و «آرزو» سوژگی زن را برجسته می‌کند
پروانه	خوب باید جلوشون وایستی (۲۴)	ساخت دستوری امر غیرمستقیم (با «باید») + ضمیر دوم شخص	دستور همراه با صمیمیت؛ حمایت‌گر اما قاطع	زبان دوستانه اما قاطعانه زنانه برای تشویق به عاملیت؛ استفاده از «باید» در قالب حمایت عاطفی نه سلطه
خانوم جون	دختر که درس به دردش نمی‌خوره، بی‌خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	حذف فاعل شخصی، کلی‌سازی + زمان حال استمراری	بی‌ارزش‌سازی تجربه تحصیل؛ کلی‌سازی تحقیرآمیز	زبان سنتی مادرانه، با حذف عاملیت فردی و تقلیل زن به کلیشه؛ دستور زبانی برای بازتولید نقش زن خانه‌دار

جدول شماره ۵-۱: ارزش تجربی ویژگی‌های دستوری (سهم من)

در یک دختر تنها، ساختارهای خبری در زبان زن، تجربه شخصی و تردید او را بازتاب می‌دهند. زبان مردان و کلیسا با جملات دستوری یا داوری، ارزش تجربی سلطه و تحمیل را منتقل می‌کند. زبان زنانه همچنان فاقد قدرت کنش دستوری است.

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش تجربی	تحلیل گفتمان
کاتلین	منتظر اوژن ایستادم می- خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	فاعل اول شخص مفرد + افعال ماضی استمراری	ابراز تجربه عاطفی فعال از سوی زن	ساخت دستوری کاملاً بیانگر عاملیت و عاطفه زنانه است؛ برخلاف زنان مطیع، کاتلین خود آغازگر گفتگو با مرد است
بی‌با	تو می‌توانی برای من نامه بنویسی من آن را امضا خواهم کرد. (۲۲)	دو جمله مستقل با ضمیرهای مشخص + فعل کمکی	رابطه دوستانه و حمایت‌گر؛ پیشنهاد برابره	زبان دو زن، هم‌سطح، بدون سلطه؛ استفاده از جملات حمایتی و تصمیم‌ساز با تقسیم مسئولیت.
عمه	طلاق گرفتن از جنایت بدتر است (۱۳۳)	جمله اسنادی با مقایسه ضمنی	قضاوت مطلق و ارزش‌گذار درباره تجربه زن	زبان قضاوت‌گر با بار اخلاقی شدید؛ بازنمایی طلاق به مثابه «انحراف» از مسیر زن خوب.

جدول شماره ۵-۴: ارزش تجربی ویژگی‌های دستوری (یک دختر تنها)

پرسش ۶: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ در هر دو رمان، ویژگی‌های دستوری زبان نشان می‌دهد که روابط میان زن و قدرت‌های بیرونی نابرابر است. جملات امری و داوری در زبان مردان و خانواده، سلطه را بازتولید می‌کنند؛ درحالی‌که جملات خبری و توصیفی زنان، نشانه فرودستی و حذف قدرت زبانی آن‌هاست. زبان دستوری و داوری خانواده جایگاه فرادست آن‌ها را تثبیت می‌کند؛ درحالی‌که ساختارهای نرم و خبری معصومه، جایگاه فرودست و کم‌قدرت او را نشان می‌دهد. رابطه زبانی میان زن و اطرافیان نابرابر و یک‌سویه است.

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش رابطه‌ای	تحلیل گفتمان
معصومه/ مدیر مدرسه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی (۲۴)	فاعل اول شخص + فعل آرزویی	صمیمیت، خودافشایی	زبان صمیمی و فردی؛ رابطه‌ای درونی با خود یا با خواننده که نزدیکی و شفافیت عاطفی را نشان می‌دهد
پروانه/	خوب باید جلوشون	فعل امری	تشویق،	رابطه دوستانه ولی فعال؛ ساختار

معصومه	واپستی (۲۴)	غیرمستقیم با «باید» + ضمیر دوم شخص	صمیمیت همراه با راهنمایی	دستوری نشان از حمایت عاطفی با جایگاه تقریباً برابر دارد
خانوم جون/ معصومه	دختر که درس به دردش نمی‌خوره، بی‌خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	جمله کلی، بدون فاعل مشخص، حال استمراری	حقیر، سلطه نرم، رابطه فرا دست	زبان کلی‌سازانه برای داوری و تحمیل ارزش؛ حذف فردیت معصومه و تحقیر غیرمستقیم از جایگاه مادرانه

جدول شماره ۶-۱: ارزش رابطه‌ای ویژگی‌های دستوری (سهم من)

در یک دختر تنها، ساختارهای دستوری و داوری شخصیت‌های مرد و مذهبی روابط نابرابر و سلطه را در زبان تثبیت می‌کنند. زبان زنانه بیشتر پرسشی یا توصیفی است که نشان‌دهنده جایگاه پایین‌تر و تعامل یک‌طرفه در روابط زبانی است.

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش رابطه- ای	تحلیل گفتمان
کاتلین/ اوژن	منتظر اوژن ایستادم می- خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	فاعل اول شخص + افعال ماضی استمراری	صمیمیت، نزدیکی عاطفی	زبان زنانه عاطفی در بیان میل؛ بیان آرام و بدون فشار که رابطه عاطفی را برابر و صمیمی جلوه می‌دهد
بی‌با/ کاتلین	تو می‌توانی برایش نامه بنویسی من آن را امضا خواهم کرد. (۲۲)	ضمیرهای مشخص اول و دوم شخص + افعال کمکی	همکاری، رابطه برابر	رابطه دوستانه، برابر و حمایتی؛ بی‌با نقش همراهی فعال دارد و دستور نمی‌دهد، بلکه پیشنهاد می‌دهد
عمه/ کاتلین	طلاق گرفتن از جنایت بدتر است (۱۳۳)	جمله اسنادی با مقایسه ضمنی	سلطه اخلاقی، فرا دست مذهبی	زبان قضاوت‌گر؛ عمه از جایگاه فرا دست اخلاقی با قاطعیت ارزش‌ها را تحمیل می‌کند

جدول شماره ۶-۲: ارزش رابطه‌ای ویژگی‌های دستوری (یک دختر تنها)

پرسش ۷: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ در هر دو رمان، ارزش‌های بیانی زبان تابع جایگاه گوینده است. زبان زن، ساده، توصیفی و مثبت است؛ اما در چارچوب سرکوب ساختاری قرار دارد. زبان خانواده و مذهب با ساختارهای دستوری تحقیرآمیز حامل ارزش بیانی منفی و تثبیت سلطه است. جملات ساده و خبری معصومه، ارزش بیانی مثبت دارند و تلاش او برای بیان آرمان‌های شخصی را نشان

می‌دهند. جملات امری و تحقیرآمیز خانواده حامل ارزش بیانی منفی‌اند و زبان آن‌ها ابزاری برای تخریب آرزوهای زن است.

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش بیانی دستوری	تحلیل گفتمان
معصومه	خیلی آرزو داشتم برم رشته ادبی (۲۴)	فعل ماضی + فاعل اول شخص + فعل آرزویی	حسرت، ناامیدی، تمنای سرکوب‌شده	لحن جمله، عاطفی و درونی است؛ نشان‌دهنده خواسته‌ای ازدست‌رفته و غم فروخورده درون زن سنت‌گرا
پروانه	خوب باید جلوشون وایستی (۲۴)	ساخت امری غیرمستقیم با «باید» + لحن تأکیدی	جسارت، حمایت، هیجان	لحن جمله انرژی‌بخش و دوستانه است؛ با وجود «باید»، بار حمایتی دارد و نه سلطه‌آمیز
خانوم جون	دختر که درس به دردش نمی- خوره، بی‌خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	حذف فاعل فردی، استفاده از ساخت عام کلی	داوری تحقیرآمیز، قضاوت قطعی	با حذف فاعل و استفاده از «دختر» به‌صورت کلی، تحقیر سنتی علیه آموزش زنانه تقویت می‌شود

جدول شماره ۷-۱: ارزش‌های بیانی ویژگی‌های دستوری (سهم من)

در یک دختر تنها، زبان خبری و توصیفی زن، نشان‌دهنده ارزش بیانی مثبت آرزوها و خواسته‌های اوست. زبان تحقیرآمیز و داورانه خانواده و کلیسا حامل ارزش بیانی منفی است و تجربه زن را با ترس و سرکوب همراه می‌کند.

گوینده	عبارت دستوری	ویژگی دستوری	ارزش بیانی دستوری	تحلیل گفتمان
کاتلین	منتظر اوژن ایستادم می‌خواستم درباره ازدواج صحبت کنم (۶۴)	فعل آرزویی + فاعل اول شخص	تردید، میل فروخورده	بیان احساس درونی، بدون جسارت کامل؛ زبان ظریف و محتاط زنانه برای ابراز خواسته‌ای مهم
بی‌با	تو می‌توانی برایش نامه بنویسی من آن را امضا خواهم کرد. (۲۲)	جمله شرطی ساده + ضمیر شخصی صریح	صمیمیت، همکاری، اطمینان	لحن رفیقانه و صمیمی؛ زبان حمایت‌گر زن با زن، بدون قضاوت یا تحمیل
عمه	طلاق گرفتن از جنایت بدتر است (۱۳۳)	جمله مطلق + مقایسه‌ای	تهدید، تنفر، تحکم اخلاقی	ساختار خشک و قاطع؛ زبان سنتی با بار ارزشی شدید برای سرکوب گزینه‌های فردی زن

جدول شماره ۷-۲: ارزش‌های بیانی ویژگی‌های دستوری (یک دختر تنها)

پرسش ۸: جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ بررسی تطبیقی دو رمان نشان می‌دهد اتصال جملات زنانه تابع محدودیت در بیان است. در سهم من، زبان زن، خطی و روایی اما بدون اختیار است. در یک دختر تنها، زبان زن با تضاد و تردید گسسته می‌شود. در هر دو، زبان قدرت (مردان و مذهب) با ساختار قاطع و مستقل جلوه می‌کند. اتصال جملات ساده در زبان معصومه از طریق روایت پیوسته و علت و معلولی است. این ساختار، نشان می‌دهد زن، آرزوها و رویدادها را پشت سر هم می‌چیند اما در دل روایت جایی برای تصمیم‌گیری زبانی مستقل ندارد.

گوینده	دو یا چند جمله متصل شده	نوع اتصال	تحلیل گفتمانی
معصومه	خانواده‌ام معتقد بودن که وقت ازدواجه (۱۲۴)	جمله مستقل، علت‌مبنا (با «که»)	اتصال ضمنی بین سن و ازدواج؛ گفتمان خانواده سنتی، تصمیم‌گیری بی‌توجه به خواست زن
معصومه	من می‌خواستم درس بخونم (۱۲۴)	جمله مستقل در تضاد معنایی با قبلی (بدون ربط‌نما)	تقابل درونی بین گفتمان زن آرمانی و گفتمان خانواده؛ زبان ساده ولی با بار تنش هویتی
حمید	تو باید حق‌تو به زور که شده می‌گرفتی. (۱۲۴)	جمله امری مستقل + ربط ضمنی به جمله بعدی	موضع‌گیری قضاوت‌گر نسبت به زن؛ گفتمان مرد ناظر که از زن انتظار جسارت دارد
حمید	هر آدمی باید بتونه هر کاری رو دوست داره و فکر می‌کنه درسته انجام بده	جمله کلی با پیوند تبیینی نسبت به قبلی	حمایت از فردیت و حق انتخاب. گفتمان برابری‌طلب، اما از موضع برتر و آموزنده

۱۰۳

جدول شماره ۸-۱: اتصال جملات ساده (سهم من)

در یک دختر تنها، اتصال جملات ساده در زبان زن بیشتر با تضاد، مکث یا تردید همراه است. زن نمی‌تواند تصمیم بگیرد یا احساساتش را کامل بیان کند. مردان و کلیسا جملات قاطع و جدا از هم دارند که سلطه را تثبیت می‌کند.

گوینده	دو یا چند جمله متصل شده	نوع اتصال	تحلیل گفتمانی
کاتلین	آنها مرا خواهند کشت (۱۷۰)	جمله مستقل + اضطراب بیرونی	بازنمایی ترس از سلطه اجتماعی؛ زبان ساده اما تهدیدگر. گفتمان زن آسیب‌پذیر در ساختار خشونت‌زا
کاتلین	فکر می‌کردم دیگر تو را نخواهم دید (۱۷۱)	جمله احساسی، وابسته به جمله قبلی	پیوند عاطفی و ذهنی با موقعیت ترس؛ گفتمان زن دل‌نگران عاشق

اوژن	نمی‌گذارم تو را بکشد پیش من در امان خواهی بود (۱۷۱)	دو جمله متصل با ترکیب امنیتی / محافظتی	زبان محافظ؛ گفتمان مرد عاشق اما صاحب‌اختیار؛ اوژن نقش نجات‌دهنده دارد.
اوژن	بنشین تا برایت یک صبحانه عالی درست کنم (۱۷۱)	اتصال علت‌مند (اقدام برای تسکین)	جبران اضطراب با محبت؛ گفتمان مراقبت از زن در قالب سنتی (غذا، آرامش)

جدول شماره ۸-۲: اتصال جملات ساده (یک دختر تنها)

۴-۳-۳. در سطح ساخت‌های متنی

پرسش ۹: از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ در هر دو رمان، قراردادهای تعاملی بر پایه سلطه و حذف زن استوار است. در سهم من، این قراردادهای بیشتر درون خانواده و در یک دختر تنها بیشتر از سوی مذهب و سنت اعمال می‌شود. زن در هر دو روایت، جز در تعاملات زنانه، فرصت مشارکت واقعی در گفت‌وگو ندارد. در سهم من، قراردادهای تعاملی به نفع قدرت‌های خانوادگی تعریف شده‌اند. مادر، پدر و برادران، داور و تصمیم‌گیرنده‌اند و زن، اغلب در جایگاه سکوت یا گوینده بی‌اثر است. گفت‌وگوهای واقعی تنها در تعامل با دوست-زن شکل می‌گیرد.

۱۰۴

گوینده	جمله	قرارداد تعاملی	تحلیل گفتمان
پدر / معصومه	مدیرشون گفته این خیلی با استعداد آدم مهمی می‌شه (۲۶)	حمایت غیرمستقیم، گفت‌وگوی بینابینی	پدر برای دفاع از تحصیل دخترش، از استناد به نظر مدیر استفاده می‌کند، پدر نظر شخصی خود را بیان نمی‌کند. زیرا برخلاف موازین نظام مردسالار است و آنها را علیه خود می‌شوراند. این نوع تعامل ضمن اینکه نشان‌دهنده حمایت پنهان از معصومه است، اما همچنان درون چارچوب سنتی مردانه باقی می‌ماند؛ یعنی پدر خودش مستقیماً به استعداد دختر استناد نمی‌کند، بلکه آن را از طریق مرجع اجتماعی تأیید می‌کند. در اندیشه مردسالاری زن جزئی از مایملک مرد است.
مادر / معصومه	دختر که درس به دردش نمی‌خوره، بی‌خود داره وقتشو تلف می‌کنه (۳۵)	قضاوت قطعی و کلی‌سازانه، بدون گفت‌وگو	مادر با وجود اینکه خودش زن است، اما نمونه‌ای از یک زن مطیع و فرمان‌بردار است که برای پیش‌برد منافع نظام سلطه تربیت شده. جمله او فردیت معصومه را در مقام زن حذف می‌کند. درواقع مادر در نقش داور فرهنگ سنتی قرار دارد، با این تفاوت که گفت‌وگو ممکن نیست.
برادران / محمود	محمود گفت:	هشدار	مرد که الگوی نظام مردسالار است و زن را جزوی از

معصومه	دختری که بی- حجاب بره تو مدرسه های تهران سالم نمی‌مونه (۶۲)	قضاوت‌گرانه بدون امکان پاسخ	مایملک خود می‌داند به طور ضمنی او را به منظور کنترل تهدید می‌کند. شنونده (معصومه) فقط باید سکوت کند: کنترل هویت زن توسط مردان در گفتمان نمایان است.
پروانه / معصومه	تو درست خیلی خوبه، حیفه که وسط کار ولش کنی. (۲۳)	تشویق صمیمی، گفت‌وگوی برابر	گفتمان یک زن در برابر یک زن. گفتمان نسل جدید. مبتنی بر حمایت که نظام سلطه را به چالش می‌کشد؛ زبان زنانه و حامی پروانه قدرت را با همدلی تقسیم می‌کند.
حمید / معصومه	من ترجیح می‌دم با آدم تحصیل کرده و باشعور سر و کار داشته باشم. (۱۲۷)	قضاوت ارزشی، همراه با تحمیل ضمنی	گفتمان شکل جدیدی از نظام مردسالار. اگرچه جمله حمید، همسر معصومه، در ظاهر مبتنی بر نظر شخصی است، ولی لحن او در جایگاه داوری است که زن را با میزان تحصیلاتش ارزیابی می‌کند. درواقع حمید هنوز از موضع بالا ارزش‌گذاری می‌کند: گفتمان مرد مدرن با چهره لیبرال اما کنترل‌گر.

جدول شماره ۹-۱: قرار دادهای تعاملی (سهم من)

در یک دختر تنه، قراردادهای تعاملی مبتنی بر سلطه مذهبی و خانوادگی است. کلیسا و پدر به زن امر می‌کنند، عمه نصیحت می‌کند و زن در جایگاه مخاطب منفعل است. حتی در روابط عاشقانه، ساختارهای برابری زبانی کامل شکل نمی‌گیرد.

گوینده	جمله	قرارداد تعاملی	تحلیل گفتمان
پدر / کاتلین	تو مثل یک گاو وحشی زندگی می- کنی (۱۱۱)	تحقیر مستقیم + قطع حق دفاع	در نظام مردسالار زن مستقل و دارای عاملیت با حیوان سرکش و غیر مطیع همانند می‌شود. زیرا در این نظام زن جزئی از مایملک مرد محسوب می‌شود. پدر جایگاه مطلق فرا دست دارد؛ این جمله بدون مکالمه، حکمی است برای سلب شأن از زن.
عمه / کاتلین	طلاق گرفتن از جنایت بدتر است (۱۳۳)	داوری قطعی، بدون مجادله یا گفت‌وگو	عمه زنی است که در نظام مردسالار برای تمکین و پیروی بدون قید و شرط تربیت شده، برای او طلاق گرفتن جرم است چون یاد گرفته که زن با تمام شرایط مرد باید سازگار شود و زن خوب خانه باقی بماند. او از زبان ارزش‌گذار مطلق استفاده می‌کند: گفتمان زن سنتی که خودش ابزار سرکوب زن دیگر شده.
پدرروحانی / کاتلین	تو به جاده انحطاط	گفتار مذهبی- قضایی؛ داوری از	کلیسا در رأس نظام مردسالار قرار دارد و زن را عاملی برای اطاعت بی‌قید و شرط از مرد می‌داند.

این نهاد به جای شنیدن صدای زن در مقام یک انسان، تنها حکم صادر می‌کند: که زن تحت هر شرایطی باید مطیع باشد. واژه «انحراف» زن را به مجرم اخلاقی تبدیل می‌کند.	بالا	اخلاقی پای گذاشته‌ای (۱۴۶)	
اوژن ظاهراً الگوی نظام جدید که مبتنی بر برابری زنان و مردان است عمل می‌کند. در این گفتمان اگرچه لحن او به کاتلین همدلانه است، اما زن هنوز در موقعیت منفعل قرار دارد و خواسته‌هایش شنیده نمی‌شود؛ مرد تصمیم‌گیرنده است و زن را از خود دور می‌کند. این گفتمان نشان می‌دهد که زن نه تنها در نظام کلاسیک (پدر)، بلکه در نظام مدرن (کنار همسر) نیز نقش تعیین کننده‌ای ندارد.	مراقبت همراه با تصمیم‌گیری از بالا	من نمی-خواهم تو را طعمه گرگ‌ها بکشم. به تو پول می‌دهم تا یکی دو هفته به لندن بروی. (۱۷۴)	اوژن/ کاتلین
گفتمان زن با زن؛ لحن شوخی‌آمیز اما هشداردهنده دارد. درواقع گفتمان زنان نسل جدید نشان می‌دهد که زن برای رهایی از نظام سلطه فرصت گفتمان و دفاع از خود ندارد و تنها راهش فرار از محیط و پنهان شدن است: رابطه صمیمی همراه با آگاهی از خشونت پنهان؛ گفتمان زنانه مبتنی بر مقاومت و همدلی است.	شوخی هشداردهنده / همدلی غیررسمی	بهتر است عجله کنی وگرنه پدرت با یک شنکش سر می‌رسد (۱۶۸)	بی‌با/ کاتلین

جدول شماره ۹-۲: قرار دادهای تعاملی (یک دختر تنها)

پرسش ۱۰: متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟ در هر دو رمان، ساخت‌های گسترده بر سلطه و کنترل زن متمرکز است؛ اما ابزار و زمینه آن‌ها متفاوت است. در سهم من، خانواده و ساختار اجتماعی ایرانی نقش سرکوب‌گر اصلی را دارند. در یک دختر تنها، مذهب و سنت‌های اروپایی نقش محوری دارند. در هر دو، زن از طریق زبان، آرزوها و روایت‌هایش می‌کوشد از ساختار سلطه عبور کند؛ اما مسیر او با سرکوب و محدودیت همراه است. تفاوت مهم، این است که در سهم من، سرکوب بیرونی و خانوادگی ملموس‌تر و خشن‌تر است؛ درحالی‌که در یک دختر تنها، سرکوب، بیشتر درونی‌شده و همراه با تزلزل روانی زن است. تحلیل ساخت‌های گسترده در دو رمان نشان می‌دهد که تجربه زن سنت‌گرا، چه در بستر خانوادگی سنتی ایران و چه در فضای مذهبی ایرلند، در چارچوب سلطه و حذف شکل می‌گیرد. در هر دو، زن با زبان آرمانی خود تلاش می‌کند ساختار را بشکند، اما متن در سطح گسترده، بازتولیدکننده نظم مردسالار، مذهبی و سنتی است.

در سهم من، ساخت گسترده متن، حول محور خانواده سنتی، نظام مردسالار و فرهنگ آبرو و کنترل بدن زن شکل می‌گیرد. روایت خطی و رویدادمحور، تجربه زن را در بستر سرکوب اجتماعی تعریف می‌کند. نهاد خانواده هم‌زمان نقش کنترل‌گر و داور را دارد. زن تلاش می‌کند از طریق زبان آرمانی (تحصیل، عشق)، از این ساختار بگریزد؛ اما ساختار قدرتمند اجتماعی مسیر او را محدود می‌کند.

ساخت کلان اجتماعی/فرهنگی	نمود در متن	تحلیل گفتمانی
گفتمان مردسالاری	زبان تحقیر پدر، برادر، حذف عاملیت معصومه	مردها تصمیم‌گیرنده هستند، زن باید مطیع باشند؛ در غیر این صورت حذف می‌شود؛ زبان مردان خانواده ساختار قدرت را بازتولید می‌کند.
زن آرمانی سنت‌گرا	علاقه به تحصیل، عشق صادقانه به سعید، سکوت در برابر زور	زن تلاش می‌کند با درونی‌سازی آرمان‌های شخصی، در دل سنت زنده بماند. به خاطر ساختار پوسته سخت و شکن نظام، او می‌کوشد خواسته‌های خود را با همان نظام تطبیق دهد.
گفتمان مذهبی محافظه‌کار	اطاعت از دین، تابوهای جنسی، گناه‌کار دانستن زن عاشق	دین در کنار خانواده نقش قضاوت‌گر دارد و هویت و ساختار اخلاقی زن را کنترل می‌کند.

جدول شماره ۱۰-۱: ساخت گسترده (سهم من)

در یک دختر تنها، ساخت گسترده متن، مبتنی بر سلطه مذهب کاتولیک، سنت‌های اخلاقی سخت‌گیرانه و فضای اجتماعی بسته است. کلیسا، پدر و عمه، نقش نهادهای کنترل‌گر را ایفا می‌کنند. روایت تکه‌تکه، ذهنی و پر از تردید است که بازتاب‌دهنده تضاد درونی زن میان میل فردی و فشار اجتماعی است. متن بیشتر از درون‌نگری زنانه و کشمکش ذهنی برای مقاومت بهره می‌گیرد.

ساخت کلان	نمود در داستان	تحلیل
گفتمان کلیسایی/اخلاقی	زبان کشیش، تفتیش عقاید، تهدید به جهنم	کلیسا مرجع اصلی داوری است؛ زن را از طریق ترس و گناه مطیع نگه می‌دارد و در صورت سرکش، او را تفتیش عقاید می‌کند.
گفتمان عشق مدرن	رابطه با اوژن، تمایل به ازدواج برابر	زن به دنبال عشق مدرن است، اما همچنان در ساختارهای مردانه «نجات داده می‌شود». اوژن نه تنها کاتلین را نجات نمی‌دهد بلکه خود الگوی جدید از تسلط مرد بر زن است.
گفتمان زنانه مقاومت	گفت‌وگو بایی‌با، دل‌مشغولی‌ها، افکار درونی	زن با دوستی، شوخی، مهمانی‌ها و عاطفه، تلاش می‌کند در دل سلطه مردانه زنده بماند.

جدول شماره ۱۰-۲: ساخت گسترده (یک دختر تنها)

۵. نتیجه‌گیری

زبان زنان در هر دو متن، عرصه‌ای برای جدال میان آرزوهای فردی و ساختارهای سلطه اجتماعی است. در سهم من، خانواده و سنت ایرانی با مفاهیمی چون «آبرو» و «حجاب» تلاش می‌کنند، عاملیت زن را محدود کنند؛ در حالی که در یک دختر تنها، کلیسا و گفتمان مذهبی از طریق مفاهیمی چون «گناه» و «انحطاط اخلاقی» نقش بازدارنده را ایفا می‌کنند. با این وجود، شخصیت‌های زن در هر دو رمان از طریق زبان، خواه در قالب واژگان آرزومندانه، استعاره‌های عاشقانه یا ساختارهای نحوی مبتنی بر عاملیت، نوعی مقاومت خاموش در برابر این سلطه را بازنمایی می‌کنند. مقایسه دو متن نشان می‌دهد که اگرچه سازوکارهای سلطه در هر جامعه متفاوت است؛ اما تجربه زنان در هر دو فضا مشابهت‌های بنیادینی در مواجهه با سرکوب و تلاش برای حفظ هویت فردی دارد. در سطح واژگانی، زنان برای توصیف خود از واژگانی استفاده می‌کنند که میان تسلیم و تمنا در نوسان است. معصومه، در روایت خود، زبان عاطفی و ساده‌ای دارد که مملو از ضمایر شخصی، واژه‌های حسی و ساخت‌های انفعالی است؛ این زبان، در عین حال که بازتاب‌دهنده درونی‌ترین احساسات زن در جامعه‌ای سرکوبگر است، از نوعی «خودسانسوری گفتمانی» نیز حکایت دارد. در مقابل، زبان کاتلین صریح‌تر، اعتراضی‌تر و به‌لحاظ نحوی فعال‌تر است. با وجود سلطه کلیسا و سنت‌های کاتولیکی، او از جملات کوتاه، واژه‌های نمادین و استعاره‌های جسمانی برای ابراز عاملیت بهره می‌گیرد. در سطح دستوری، هر دو متن نشان می‌دهند که چگونه زنان در چارچوب محدودکننده زبان مردسالار به بازآفرینی معنا می‌پردازند. در سهم من، فعل‌های التزامی و جمله‌های مجهول، سلطه و ناتوانی را تداعی می‌کنند؛ اما در لحظات خودآگاهی، زبان به سمت فعل‌های قطعی و ضمایر فاعلی تغییر جهت می‌دهد. این تغییر ظریف نحوی، نشانه‌ای از عبور از «سوژه منفعل» به «فاعل آگاه» است. در یک دختر تنها، این دگرگونی سریع‌تر و شدیدتر رخ می‌دهد: راوی با تکرار واژه‌هایی چون گناه، بدن، آزادی، نوعی گفتمان بدنی و ضدمذهبی را بنا می‌نهد که در برابر نظام زبانی رسمی کلیسا مقاومت می‌کند. در سطح ساخت‌های متنی (گفتمانی)، ساختارهای قدرت در دو متن به شیوه‌ای متفاوت بازتولید می‌شوند. در ایران، قدرت، درون خانواده و ساختار فرهنگی متجلی است؛ در ایرلند، در قالب نهاد دین و اجتماع. هرچند اشکال سلطه متفاوت‌اند؛ اما در هر دو جامعه، زبان زنانه به‌تدریج از بازنمایی انفعال به ابزار مقاومت تحول می‌یابد. معصومه از طریق گفت‌وگوهای درونی و خاطره‌نگاری، صدای خود را به مثابه کنش بازمی‌سازد؛ کاتلین با روایت تجربه ممنوعه عشق، گفتمان تابوشکن خلق می‌کند. هر دو با عبور از زبان مردانه، به مرحله‌ای از بیان زنانه می‌رسند که در آن، روایت، ابزار رهایی است.

منابع

- اعتمادی، اختر و علی دهباشی (۱۳۸۳). «گفتگو با پرینوش صنیعی»، بخارا، ۳۹ و ۴۰، ۲۵۶-۲۷۲.
- اوبراین، ادنا (۱۳۷۹). *دختری تنها*، ترجمه بهمن فرزانه، تهران: بدیبه.
- خمسه، شروین و نسرين شیرزاده (۱۳۹۷). «تحلیل جامعه‌شناختی رمان سهم من با تکیه بر نظریات لوسین گلدمن»، فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، ۱۰ (۳۶)، ۱۶۱-۱۷۹.
- ساعدی، سلما (۱۳۹۴). «تحلیل رمان سهم من از دیدگاه فمینیستی»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، ۷ (۲۵)، ۶۷-۹۲.
- شهرستانی، سید محمدعلی (۱۳۸۳). «سهم من»، بخارا، ۳۷، ۳۸۹-۳۸۱.
- صمیمی، سعیده و پروانه عادل‌زاده و کامران پاشایی (۱۳۹۹). «بررسی روانکاوانه نیاز مهرطلبانه و تفاوت آن با عشق سالم در رمان سهم من بر اساس نظریه کارن هورنای»، فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۱۰ (۳۵)، ۴۱-۵۸.
- صمیمی، سعیده؛ عادل‌زاده، پروانه و کامران پاشایی‌فخری (۱۳۹۹). «واکوی کهتری و مکانیسم‌های جبران شخصیت معصومه در رمان سهم من با تکیه بر روانشناسی آدلر»، مجله علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی، ۴ (۱۳)، ۱۳۹-۱۲۰.
- صنیعی، پرینوش (۱۳۸۳). *سهم من*، چاپ هشتم، تهران: روزبهان.
- عبدی، مالک و رقیه نظری‌پور (۱۳۹۸). «نمایه تصویر رنج‌مندی زنان در دو رمان سهم من از پرینوش صنیعی و بنات الریاض اثر رجاء عبدالله الصانع»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۹ (۳۵)، ۸۱-۱۰۲.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کریمی، فاطمه و قهرمان شیر (۱۴۰۴). «آرمان‌شهر زنانه و زن سنت‌گرا: بررسی جامعه‌شناختی دو رمان سهم من (پرینوش صنیعی) و یک دختر تنها (ادنا اوبراین)»، مجله ادبیات پارسی معاصر، ۱۵ (۲)، ۱۷۱-۲۰۰.

کریمی، فاطمه و مجید منصوری (۱۴۰۵). «جست‌وجوی آرمان‌شهر زنانه: بررسی سفر قهرمان زن در سایه سنت (با تکیه بر رمان‌های سهم من و یک دختر تنها)». دوفصلنامه پژوهش‌های ادبی-فلسفی، ۴(۳)، ۷-۳۳.

منابع غیرفارسی

- A. Chase, Elizabeth (2010). "Rewriting genre in *The Country Girls Trilogy*", New Hibernia Review, 14(3), 91–105. <https://doi.org/10.1353/nhr.2010.0042>
- Byron, Kristine (2002). "In the name of the mother: The epilogue of Edna O'Brien's *Country Girls Trilogy*", Women's Studies, 31(4), 447–465. <https://doi.org/10.1080/00497870214048>
- Chang, Ann Wan-lih (2019). *A female odyssey of romantic illusion: Abject women in Edna O'Brien's five love stories*, Sun Yat-sen University Journal of Humanities and Social Sciences. (Kaohsiung Campus).
- Barros-del Río, María Amor (2018). "Thematic transgressions and formal innovations in Edna O'Brien's *The Country Girls Trilogy and Epilogue*", Estudios Irlandeses: Journal of Irish Studies, 13, 77–89. <https://doi.org/10.24162/EI2018-7980>
- Fairclough, Isabela & Norman Fairclough (2012). "Political discourse analysis: A method for advanced students", New York: Routledge.
- Fairclough, Norman (1995). "Media discourse. London", Hodder Education.
- Fairclough, Norman (2010). "Critical discourse analysis", The critical study of language. London: Longman.
- Fairclough, Norman (2013). "Discourse and social change", Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, Norman & Isabela Fairclough (2018). "A procedural approach to ethical critique in CDA", Critical Discourse Studies, 15 (2), 169–185. <https://doi.org/10.1080/17405904.2018.1427124>
- Nunes, Charlott (2007). *Return to the lonely self: Autonomy, desire and the evolution of identity in The Country Girls Trilogy*, Canadian Journal of Irish Studies, 33(2), 39–47.
- Weston, Elizabeth (2010). *Constitutive trauma in Edna O'Brien's The Country Girls Trilogy: The romance of reenactment*, Tulsa Studies in Women's Literature, 29(1), 83–105.